

الہی نامہ
میرزا علی
کارگر ساروی
جلد ۳۰

الہی نامہ جلد ۳۰

نویسنده : میرزا علی کارگر ساروی

الهی نامه جلد ۳۰

نویسنده : میرزا علی کارگر ساروی

فهرست

ادامه مطالعه

درباره کتاب

خروج

فهرست مطالب

-  الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۲
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۳
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۴
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۵
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۶
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۷
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۸
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۹
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۰
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۱
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۲
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۳
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۴
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۵
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۶
 الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۷

فهرست مطالب

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۰

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۱

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۲

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۳

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۴

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۵

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۶

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۷

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۸

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۱۹

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۲۰

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۲۱

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۲۲

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۲۳

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۲۴

الهی نامه جلد ۳۰ ص ۲۵

خاتمه جلد ۳۰

۱ - الهی در جوانی ما را لذت مناجات ده و آغاز عشق بازی با خودت گردان که پیری اینگونه مناجات ندای و غزل خداحافظی و خبر رفتن و انتقال به سرای و جایگاه ابدی می دهد.

۲ - الهی آنکه در جوانی اهل عشقبازی با تو شد تا آخرش به غیر تو به چیز دیگری راضی نشود و همیشه بندگی عالی کند.

۳ - الهی دل شکستگی شیرین است اگر در جوانی باشد بهترین است.

۴ - الهی در روزگاری که اکثریت مردم جهان از شیطان حکایت می کنند و تن به عصیان می دهند خوشا آنانکه از تو رحمان حکایت کند و از رحمت بی پایانت حکایت کند.

۵ - الهی هر کسی طوری تو را خواند و از تو حاجتی خواهد بنده کمترین با هو تو را خوانم و جز تو حاجتی دگری نخواهم .

۶ - الهی وای به حالم که در ماه مبارک رمضان نیامرزیده نشوم که این ماه حقیقتش را بهانه ای برای بخشش بندگانت قرار داده ای .

۷- الهی از گناه کردن شرمنده ام و از استغفار از گناه شرمنده ترم که چرا گناه کنم تا استغفار کنم و حال اینکه استغفار باید برای پناه بردن به تو از شر شیطان باشد نه برای عصیان.

۸- الهی رمضان را با کریم بودن پیوند دادی رمضان الکریم اش کردی جانمان را با معرفتت و عبودیت پیوند ده تا نمود تامی از بودت شویم و عبدالله و عبدهو شویم .

۹- الهی من از خود گذشتم و به بندگی تو رسیدم و تو هم از من درگذر تا مولای و رب و اله من شوی و مهربانترین حقیقت عالم برایم شوی.

۱۰- الهی من به بندگی و فقیری به تو می نگرم و روی به سوی تو می آورم و بنده تو می شوم و تو به مولایی و خدایی خود بنگر مرا مورد الطاف ویژه ات گردان و از درگاه ات مرا نران .

۱۱ - الهی چه بندانم و چه ندانیم و چه بخواهیم یا نخواهیم گدای و فقیر تو هستیم و مهمان سفره تو هستیم پس بده هر آن و زمان هر آنچه مصلحت هست همان ای وهاب و جواد و مهربان.

۱۲ - الهی رحمت آنقدر واسعه است که همه را مرحوم خودت کردی و همه را در سفره رحمت واسعه ات نشانیدی و همه مدیون و مشمول رحمتت شده اند واقعا لایق حمد و ثنای هستی و عاری هر گونه زشتی و نقائصی لا اله الا انت سبحانک گویم و الحمد لله رب العالمین را فقط برای تو دانم.

۱۳ - الهی عنایتی فرما تا مورد عنایت ویژه ات قرار گیرم و گرنه عنایت عامه را به همگان داری.

۱۴ - الهی علی بنده توست و جز علی آفرین چیزی نداند و نخواهد و نپرستد پس علی را بنده هو محض و مخلص و مخلصت قرار ده.

۱۵ - الهی بنده قربانت هستم و تو قربانم هستی پس رحمی بنما بر بنده ای مهربانم.

۱۶ - الهی تو شاهی بر اعمالمان و ناظری بر تمامی شئونمان پس چگونه منکر شویم و حال اینکه علم مطلق از آن توست فقط خواهان اصلاح و هدایت بسوی صراط مستقیم ات هستیم که این را تو قادر هستی .

۱۷ - الهی قدرت استجابت هر دعایی را داری اگر استجابت نمی شود مصلحت است یا بالترش را خواهی دهی و یا دفع بلا می فرمایی پس به آنچه می دهی یا بالترش را می دهی و یا دفع بلا می فرمایی شکرت.

۱۸ - الهی آهی ندارم که با آن سودا کنم و بسویت راهی پیدا کنم پس آهم ده و راهم ده و تا با آهی که می دهی

در راهی که صراط مستقیم است با آه و ناله با تو نجوای و مناجاتی اعلا داشته باشم.

۱۹ - الهی آنقدر مرا با آفتاب عشقت بسوزان تا در عشقت شوم حیران وز عشقت شوم پریشان و نالان ، که بی تو حتی یک لحظه هرگز نتوانم .

۲۰- الهی عشقت کورم کرده از دیدن روی
غیر محرومم کرده و در هر شب و روزم
عشقت مرا پر سوزم کرده است.

۲۱- الهی آنقدر عاشقتم و دوستت دارم که
هر کجا بنده را بیندازی اهلش را از عشقم
و دوستیم به تو خبردار می کنم پس لطف
فرما بنده را در جنت ذات اهل بیتت بینداز
تا همگی از عشقمون نسبت به حضرتعالی به
محضرت ابراز کنیم.

۲۲- الهی از تو مهرباتر کیست ، ما بد کنیم
تو نانمان دهی و هر چه خواستیم کنیم باز به
درگه ات راهمان دهی و دم به دم استغفار
کنیم و بشکنیم باز غفرانمان کنی و نقائصمان
را جبران کنی ، شرمنده ایم ای مهربان و
آرامش جان.

۲۳- الهی تو را خوانم با آرامش و ستایش
و همراه با عشق و می کنم سر به آستانت
کرنش ای لایق هرگونه ستایش و قبولم فرما
ای مطلق آرامش .

۲۴- الهی از جهنم هر اسی ندارم وز بهشت سراغی نگیرم تنها تو را با عشق و محبت خوانم و خواهم و دانم که تو را که دارم دگر هیچ چیز ندانم و نیینم و نخواهم .

۲۵- الهی تو حاکمی و ما محکوم پس حکم فرما همیشه بر زندگیمان ای حاکم تا شویم قائم به حقیقت وجودت و گرنه ما نه علمی داریم و نه حکمی توانیم کنیم و در گمراهی و فلاکت می مانیم.

۲۶- الهی آمده ایم به درگاه ات که با تو دوست شویم ، بنده مطیع و با خلوص شویم نه اینکه از درگاه ات دور شویم یا به نجاست و رذالت آلوده شویم پس بپذیر ما را هر زمان تو خدایی و مهربان .

۲۷- الهی آمده ایم که بندگی ات کنیم که بندگی کردن بر ایمان شود بهترین ، تو خدایی و مهربان نه اینکه تاجر باشی و بازرگان ، گنه داریم از خطاهایمان در گذر چشم به عفو ت گشوده ایم که ما را ببخشی و دوباره راه دهی در پیشگاهت در ماه رمضان بحق قرآن .

۲۸- الهی اگر علی بد هست خوبش کن و اگر خوب است عالی‌ش کن و اگر علی است در ذاتت فانی اش کن تا شود باقی هر آن تا در محضرت آرام گیرد هر آن و زمان .

۲۹- الهی خالصانه می خوانمت و خاضعانه سر به آستانت می نهم و خاشعانه به راز و نیاز با تو مشغول می شوم تو خدایی که هر چه ستایشت و عبادتت کنم باز نتوانم از شکرت برآیم و نام بنده واقعی ات بر خود نهم.

۳۰- الهی بندگی تو برآیم شیرین است و اگر در ذاتت فانی شوم لذت بی نظیر است چه اینکه موجب بقای در نزد تو بهترین است پس ارزانی فرما این طلبم را ای مهربان و رحیم.

۳۱- الهی جز هوای تو دگر هوای به سر ندارم و جز هو ذکر دگری نگویم و با یاد تو آرامش بالتری نرسم و از درگاه تو جای دگر نروم پس یا هو من لا هو الا هو گویم و سوی تو آیم.

۳۲- الھی آفتاب وجودت بر همه ما بتابد تا شویم بنده ات و از تو کنیم حکایت و از خود موهوم خویش کنیم مفارقت بحق ذات پاک ات.

۳۳- الھی علی را به علی ات ببخش و علی ات را شفیع علی گردان و علی را به دارایی علی ات برسان تا همانند علی ات آینه تمام نمای تو باشد و از تو حکایت کند.

۳۴- الھی سحر وقت عشقبازی هست و سفر، علی را بکن بر وی نظر، تا سحر داشته باشد و کند با تو عشقبازی برتر، و به لقای تو در آید همچو خاتم الانبیاء و اهل بیت برترت تا حقیقت الھی بر وی مکشوف گردد و از حجاب جسم بیرون آید به لطف بیکران تو قادر.

۳۵- الھی اسمی که تو بر من بنهی بهترین تحفه برای این کمترین است پس این تحفه را بفرما.

۳۶- الھی همه اسمایت زیبایند ولی بنده کمترین احتیاج بیشتری به اسم رحیم ات دارم تا بنده کمترین را به قرب بیشترین برسانی و جانم را به اعلا علیین برسانی پس یا رحیم بتاب در حد اعلا بر بنده حقیر کمترین.

۳۷- الھی کور دلم، نور دلم ده و جاهلم علمم ده و غافلم حضورم ده و سائلم خودت را به بنده ده خلاصه در هر دوجهان فقیر و بی چیزم و جز تو ندارم به چیز دیگری راضی نشوم پس همیشه مرا لیاقت بندگی و عشقبازی بدان و روزی بندگی دائمی را از بنده دریغ نفرما.

۳۸- الھی بنده لیاقت اینهمه توجه و لطف را ندارم ولی تو معرفت و رحمتت بسیار وسیع و بالاست که این همه الطافت شامل حالم کردی الحمدلله رب العالمین و شکر لله.

۳۹- الھی اگر غفار نمی بودی چگونه بسویت باز می گشتیم؟ اگر کریم نمی بودی چگونه روی داشتیم تا دوباره با تو مناجات کنیم!!؟

۴۰- الھی سفرایت فرمودند المومن مراه المومن است بنده
کمترین را جزء المومن حقیقی ات قرار ده تا از تو المومن
حکایت و آینه کاملت باشم.

۴۱- الھی گاهی به جلالی ، گاهی به جمالی ، تو را خواهانم در
هر حالی ، نروم از درگه ات در هر حالی ، دوستت دارم ای
عالی ، بنده را در ذاتت فرما فانی تا آینه تمام نمایت شوم و
کنم از حضرتعالی حکایتی عالی به لطف و کرم ات ای که جان
همه بندگان هستی یا عالی.

۴۲- الھی گر چه ما بندگی بلد نیستم ولیکن تو مولای و خدایی
عالی و بی شریکی و بی نظیری که از وصفت عاجزیم.

۴۳- الھی بنده طالب و عاشق تو هستم تو هم طالب و عاشق
بنده هستی تا در بنده بتابی زیبنده و بنده کنم حکایتی تمام
و کمال از تو بخشنده و چه عشقبازی کنم با تو تا زمانی با تو
هستم .

- ۴۴- الهی حضورت موجب آرامش است و شهودت موجب ستایش است و عندیتت موجب آغاز نیایش است و همه تجلیاتت موجب آسایش است پس خیر محضی به هر حالی که رخ نمایی و ما را می ربایی و حقیقتت می رسانی.
- ۴۵- الهی دل بستن به غیر تو برایم محال است چونکه تو را دارم دلم را سوی تو نگه می دارم و از غیر تو سخت بیزارم.
- ۴۶- الهی نمی دانم که هستم فقط به تو دلبستم و از غیر تو رستم و تا آخر با تو هستم.
- ۴۷- الهی مقدمه مناجات با تو معرفت به توست و گرنه بدون معرفت باشد هر کسی خدای خیالی خویش را می خواند نه تو که خدای خاتم الانبیاء هستی.
- ۴۸- الهی ناس از تو محسوسات خواهند و عالم از تو معقولات خواهد و عارف از تو توحید و خودت را خواهد تفاوت طلب بنابر تفاوت معرفت هست.
- ۴۹- الهی آمده ام به درگاه ات گدایی کنم ردم نکن بجایش گدا ترم کن.

۵۰- الھی التماس دعا گفتن شیرین است ولی راضی به رضای تو و شاکر بودن شیرین تر و بهترین است.

۵۱- الھی در سکوت تو را جویم و در سخن از تو گویم که در سکوت

همان سخن باشد شنونده آن توی سمیع العلیم باشی .

۵۲- الھی همیشه توبه خواهم تا همیشه با تو توان سخن گفتن داشته باشم.

۵۳- الھی کریم الصفح ات تجلی تام دهی و بندگانت را از شرمندگی به در آوری و خجالت از تو کشند و اسباب عشقبازی با تو را فراهم سازی.

۵۴- الھی لذتی بالاتر از با تو بودن نیست و عزتی بالاتر از عبادتو بودن نیست و کاری بالاتر از عشقبازی با تو کردن نیست و عملی بالاتر از گریه و زاری در وصال و فراغت تو نیست و چه شیرین است تمام شئونت بارالها بنده کمترین را فانی کن در ذات پاک ات.

۵۵- الهی با داشتن گناه شرم حضور دارمو با داشتن شوق و اشتیاق طلب وصال خواهم که آن مرا دور کند و این مرا پرور کند تو که گناه را بخشیده ای با یاد گناه چه کنم؟ و چگونه وصال را برابم زببیده کند؟ پس یاد گناه را محو کن تا در وصال نشوم بی آبرو.

۵۶- الهی هر چه خواهی کنی کن فقط مرا از خودت دور نکن.

۵۷- الهی آنکه با تو دوست و بنده ات شود از غیر تو دور شود و از قرب به تو بسیار مسرور شود و از دوری ات غمگین و مغبون شود.

۵۸- الهی در روزگاری بسر می بریم که بعضی از مردمان به زبان شکر می کنند و در عمل کفرت گویند
خنک آنانکه زبانشان با عملشان یکی باشند و در زبان و عمل شاکرت بوده باشد.

۵۹- الهی اگر بنده کمترین را نمی پسندی تغییرش ده و اگر می پسندی تعالی اش ده و در عنایت تامه سکونتش ده و از هر چه که موجب دوریش از تو می شود محافظت و مراقبتش فرما.

۶۰- الهی شیطان در شیطنش استوار است و آدمیان در اطاعت تو چرا اینگونه در لغزش و مطیع شیطانند؟! وای بر ما که نان تو را خوریم و به اطاعت شیطان برآییم و از درگاه ات دور شویم پس می گوئیم : اعوذبالله من الشیطان الرجیم و به تو پناه می بریم ای الله قادر رحیم. ÷

۶۱- الهی با دعا دست بسویت داز می کنیم و با گناه پا از پیش می کشیم چه بنده بیچاره ایم که نه در دعا کردنمان صادقیم و نه در اطاعت کردنمان لایقیم.

۶۲- الهی در بنده در هر آنی همانی که آنی بتابان و از درگاه ات نرانم که تو یزدانی نه بازرگان که تا گناهانم بهانه ای شود که مرا برانی و مرا از لذت با تو بودن محروم فرمایی.

۶۳- الهی رضایت از مقدراتت برایم شیرین است ولی شکرگذاری به درگاه ات برایم شیرین تر و بهترین است.

۶۴- الهی امر به دعا کردی بنده دعا می کنم بعد دعا هر چه مصلحت باشد تو همان می کنی.

۶۵- الهی سرباز تو هستم و آنچه بر بنده امر و نهی کنی بنده تسلیم و سر تعظیم فرو می آورم و سر باز نزنم و اوامرت و نواهی ات را اطاعت می کنم.

۶۶- الهی جهنم مطهر است جهنمیان را از هر چه غیر توست پاک می کند و بهشت مبعث است چون همه را غرق نعمت می کند و از حضورت باز می دارد اما عندیت و جنت ذات حقیقت و خودت را خواستن است که معصومین و عارفین طلب این هستند و نعمتهایشان همان حضور در پیشگاهت هست بارالها ما را اهل عندیت و حضور در محضرت بصورت دائمی و در ((مقعد صدق عند ملیک المقندر)) فرما.

۶۷- الهی آنچه را که تو صلاح می دانی برایم رقم بزن نه آنچه را که بنده می خواهم و به صلاحم نیست و اصرار دارم که انجام شود و برآورده شود تو عالم مطلق و حکیم مطلق هستی و بنده جاهل مطلق و بنده نا آگاهم.

۶۸- الهی هیچ اراده ایی ندارم فقط دستی را در زندگی ام جاری و ساری می بینم و آن دست یداللهی توست که در قرآنت فرمودی ((یدالله فوق ایدیهم)) شکرت که در عنایت یدالله بسر می برم تا عبدالله شوم و عندالله را رقم زند برایم.

۶۹- الهی ما تنها نیستیم بلکه تو همیشه با ما هستی و وجودمان وابسته به وجود توست تا وجودت در ما نتابی وجودی در خود نمی بینیم و نداریم و ((هو معکم اینما کنتم)) گویی با حقیقت همیشه ما را ظهور دهی و تو تنها، هستی وجود ما و بود ما هستی و ما نمود تو هستیم پس ای تنهای بی شریک بر بنده ات رخمی نما تا باشم آینه تمام نمای و حکایتی تام از تو خداوند قادر و متعال .

۷۰- الهی فقیرتر از آنم که نگاهم نکنی و غنی تر از آنی که صدایم را نشنوی و به حال زارم ننگری ، من فقیرم به تو ، فخرم را همین دانم و تو غنی هستی الحق و انصاف غیر این نباید باشی و نیستی پس بر فقرم بیفزای و نزد خودت تا ابد بنده را نگه دار .

۷۱- الهی اگر حضور زن در زندگی مرد موجب آرامشش قرار دادی، حضور زن آفرین در زندگی مان موجب آسایش ابدی برایمان است اما بی زن می توان زندگی کرد ولی بی حضور و بندگی کردن زن آفرین در زندگی مان جهنم سهمگین در انتظارمان را می کشد و بودنش در زندگی مان نیایش و آرامش

ابدی به ارمغان آورد.

۷۲- الهی همه دل بستگی هایم از هم گسسته و گسیخته شد! دل بستگی به تو که این دل بستگی ام موجب هم بستگی ام با عالم و آدم برای پیوستگی ابدی ام بسوی خالق نظام هستی و تک هستی عالم هستی وجود شده است.

۷۳- الهی خودت می دهی و خودت هر کسی را خواهی می ربایی و به هر کسی که خواهی می نمایی تا خودت را در دلش جای بنهی بنده فقط راقم هستم و تمام الهی نامه هایم به تو قائم اند.

۷۴- الهی نازم به همه نیازم که به توست وسازم به هر چه تو خواهی که راز و نیازم بسوی توست پس از نیازم باخبری و به راز و نیازم آگاهی و سوز و ساز را تو دهی و طلب عشقباری را تو در دلم قرار دهی ای معشوق حقیقی بنده کمترین.

۷۵- الهی در دنیا مرا گریبان و نالان در محضرت فرما تا در قیامت از شرمندگی اعمالم گریبان در پیشگاهت حاضر نشوم بلکه خندان و با اشتیاق فراوان لقای تو برایم حاصل شود.

۷۶- الهی سوزی خواهم که با آن با تو نیایش کنم تا ان کوه خودپرستی و دنیاپرستی در بنده ریزش کند هر دم هو هو گویم و بندگی تو کنم تا از تمام توجه به غیر تو رهایی یابم و از هر چه تعلقات به غیر توست خالی شومو در ذات پاک ات فانی و باقی شوم.

۷۷- الهی آنچه تا آنچه آنی خواهی نه آنچه آنی که خوش ندانی و نخواهی.

۷۸- الهی زیبای مطلق تو هستی زن دارد حکایتی و نمودی از زیبایی تو را به نمایش می گذارد و نشان می دهد لذا امر به حجاب قرآنی چادر کردی تا جمالش باعث گمراهی مردان نشود بلکه موجب آرامش مردان و آسایش خانواده ها شود.

۷۹- الهی تو به توبه کاران درگه ات بنگر که فقط تو باید به دادشان بررسی و توبه شان را بپذیری.

۸۰- الهی در جمال جلالی و در جلال جمالی نه ایمنی و نه آنی فقط اسماء ات را دارایی و می نمایی و در ذاتت بی اسم و رسمی که هو نامیدی و از آمدن به ذاتت ما را دور می نمایی که ذاتت شیرین است و قابل وصف ناشدنی است.

۸۱- الهی نار جانمان را به نور مبدل فرما و نور علم را مقدمه حضور در پیشگاهت بفرما.

۸۲- الهی یک جان بگو و جانت را بر ما بدم و آن نفخت فیه من روحی را بر ما ، دم بزن تا گیریم توحید احدی صمدی را هر دم با شفاعتت شویم آدم و در دو جهان تو را کنیم حکایت بی عذر و بهانه و بی شکایت.

۸۳- الهی تا زمانی که تو با ما هستی و معبود ما هستی مسروریم از این شادی می می نوشیم و تو را می پرستیم و به بندگی کردنت مشغول می شویم تا در ذات پاکت فانی شویم و جز هو نگویم و جز تو کسی را نپرستیم.

۸۴- الهی توبه بنده را بپذیر تا تو به بنده نگاه کنی و مرا در محضرت راه بدهی و از شراب حضورت جرعه ایی دهی و مست شوم در حضورت و هو هو گویم با معرفت و فانی شوم در ذات پاک ات و دیگر جز هو نیستم و نگویم و نشنوم و یا هو من لا هو الا هو گویم.

۸۵- الهی آمده ام بسویت بی دعوتنامه و دعوتم کن بی بهانه تو مولایی و صاحبخانه و من بنده پرچانه تا ابد با تو راز و نیاز کنم عاشقانه و تا شوم در ذاتت فانی و اگر یاریم فرمایی صادقانه بنده همیشگی ات می شوم بی بهانه و از تو یاد کنم در هر زمانه و خانه و هو هو گویم عارفانه تا ترا حکایت کنم خالصانه پس یاریم فرما ای شاهنشاه عالم برای همیشه.

۸۶- الهی در پیش تو همه چیز برآید و مالک کل شی هستی و برای بنده تنها فرمانبرداری و بندگی شاید که تو مولایی و من بنده تو هستم همیشه.

۸۷- الهی موج به نازد و در وی ریزد و از وی نگریزد و با وی به شوق برخیزد و به عشق فرو ریزد علی از تو آید و به تو نازد و از عشق تو سوزد و از جلال و جمال تو رشد یابد و در فراز و نشیب های زندگی از تو یاری جوید و دباره بسویت برگردد.

۸۸- الهی آنقدر مهربانی ات بی حد و حصر هست که در هر مهر به مخلوقینت با آنی و در واقع مهر را تو دهی و همگان را غرق مهربانی کنی.

۸۹- الهی آنکس که قلبش سوی تو ندارد و تو در وی جای نداری و تو را صدا زدن چه سود دارد فقط زبانش تو را خواند ولی دلش جایگاه شیطان هست بارالها ما جز اینان قرار نده.

۹۰- الهی در روزگاری که اکثریت یا دنیاپند خوشا آنانکه در صدد دوستی با تو و راز و نیاز با تو پاک و بی همتاست.

۹۱- الهی آه و ناله ام ده که با آه و ناله با تو به عشق بازی
بپردازم و از عشقبازی به بندگی و خاکسپاری همیشگی برسم
و در ذاتت فانی و باقی شوم.

۹۲- الهی قابلیت نامحدوی ده تا آنچه که نامحدود داری را اخذ
کنم و نمایش دهم

و نمودی تام از بود تو باشم پس لطف نامحدودت را بر بنده
محدودت بی حد و حدود فرما.

۹۳- الهی کاشته های علی را بسوزان و تخمهای حقیقی ات را
در جانش بکاران که کشتت کاشتی و دیدنی است و حقیقتش
دست نایافتنی است و عاقبتش ((فی مقعد صدق عند ملیک
مقتدر)) است چه تخمی بکاری تو که محصولش آدمی و بندگی
و توحید احدی صمدی است.

۹۴- الهی به هر صورت قصد زندگی ندارم فقط به دنبال
زندگی آدمی و رسیدن به اوج بندگی ام که تا به عندیت تامه
برسم و فی مقعد صدق عند ملیک المقتدر برایم شود حاصل.

- ۹۵- الهی دانی آنچه را که من ندانم و ندانم آنچه را که تو دانی پس هر طوری که خواهی و دانی همان را خواهم و طلبم و بر من رقم بزن.
- ۹۶- الهی با دوستانت دوستی می کنم و با دشمنانت دشمنی دارم و هر چه تو خواهی همان می کنم، سلب شده اختیار از بنده، تنها اختیارم این است تو را انتخاب کرده ام.
- ۹۷- الهی چه دارا شوم یا نادار سویت آیم ای کردگار و می گویم هو هو در هر دو دار.
- ۹۸- الهی در رحمت رحمانیه ات رحیمیه نهفته و در رحمت رحیمیه ات رحمانیه، که هر دو کارساز باشد و رحمت رحیمیه آدمساز.
- ۹۹- الهی همه همه را به خود دعوت می کنند بنده را یاری کن تا همه را به خودت دعوت کنم.
- ۱۰۰- الهی دل بسوی تو سپرده ام همگان را بندگان هو دیده ام و همه نامها جز هو را از یاد برده ام.

۱۰۱- الهی نامت ما را نعمت و یادت ما را رحمت و عشقت ما را عندیّت و محضرت ما را نهایت سعادت باشد ای که همه را رحمانی و مومنان را رحیمی به تو ایمان دارم و جز تو کسی را ندارم و نخوانم و نخواهم.

۱۰۲- الهی مشتاقم به عندیّتت و محتاجم به عنایتت و گرفتارم به عشقت و مفتخرم به بندگیّت و مسکینم به فضل و کرمّت ای که همه کمالات مال توست و همه نقائص مال بنده کمترین است پس رحمی نما بر بنده کمترین تا رسیدن به عندیّتت شود برایم راستین و ممکن.

۱۰۳- الهی در روزگاری نوشتار آلوده و هوسرانی پر لایک شده است شکرت که بنده کمترین ات نوشتار پاک دارم و با تو راز و نیاز و مناجات پاک دارم ولو اینکه لایک نداشته باشد.

۱۰۴- الهی غایت سپرم را به جنت ذات خاتم الانبیاء ختم کن و نهایت سلوکم را به فنای در ذات پاکت، چه سیر و سلوکی شود اینطوری، جز هو مرا هوسی نباشد.

۱۰۵- الهی هوسم هوست و هوست هوای و هوس بندگی و زندگانی ام و جز هو ندارم هوسی در جانم، تنها ذکر هو می گویم والسلام ختم کلام.

۱۰۶- الهی خلقم کردی تا تو را نشان دهم و در میان خلق باشم همه را بسوی تو خوانم پس یاریم کن تا چنین شوم مورد رضایت ذات اقدس الهی قرار گیرم.

۱۰۷- الهی در اسمائیت چنین زیبایی، در ذاتت چگونه قرار است بنمایی و بربایی؟ افسوس که بر حذر داشتی اما عاشقم می آیم هر چه بادا باد!

۱۰۸- الهی تو خود جانی ما همه ابدانیم و تو خود دانی ما همه نادانیم و تو خود آنی به هیچ کی نمائی و اگر ((نفخت فیه من روحی)) نمایی و ما را آدم نمایی و نمودی از بود تو می نمایی.

۱۰۹- الهی به خانه تو کعبه رسیدن شیرین است و اغنیاء مسلمانان به دنبال آنند ولی به لقاء الله رسیدن شیرین تر است و اولیاء الله و عرفاء به دنبال آنند خوشا آنانکه به هر دو برسند و در هر دو چیز دیگری نییند و نخواهد.

۱۱۰- الهی دروغگو و کاذب است آنکس که دم از تو دوستی با تو زند ولی حرفت را گوش نکند و واجبات را انجام ندهد و محرمات دین اسلام را ترک نکند.

خاتمه: با عنایت و لطف الهی جلد سی ام الهی نامه را در ساعت ۲۸:۰۰ روز جمعه ۲۱ خرداد ۱۴۰۰ هجری شمسی مصادف با سی ام شوال ۱۴۴۲ هجری قمری به اتمام رسید بارالها این کتاب را هادی و رهنمای و مورد عنایت مشتاقان سیر و سلوک آدمی و مناجات با خودت قرار ده و برای مشتاقان راز و نیاز کارساز و راهگشای آید ان شاء الله .